

بعل آرزو نشود در این مرتبه **عده** اگر امقدر کنت بعل خطه ازین قبل شتو سرکار
 در معتمد مد عدم تعرض از ارضی ملک محسن که در موضع فلانی و محبت طریق معمول احد
 یافته بود چون صبح پوست که در فصل خریف نکه از مشار البیدر به ظهور یعنی جلوه تصور نمود
 نباران نگر تا لیل مبلغ نگارش میرود که در حتمت ل غده فصلین عمومی البیدر باشد در زمان
 تا کید دانند نشود که با تر ناسخ حضور بر زاده چه علمی و در شتو در این مرتبه مقید
 جهات حال و استقبال گنه مضاف صورت الحلافت شاه جهان بنده چون مولوی حیدر علی
 بعبادت و طاعت و تقوی موصوفست و بیج وجه معشیت ندارد لهذا نظر استحقاق مشار
 مبلغ شتو روپیه صدق فرق نیکان حضرت قدر قدرت بر آمدنی نال بر گنده کور مقصر
 نموده شد باید که وجه تو مقصود را سرروزه بلا ناغده مشار البیدر سائیده نقص الوصول ماه
 میگرفته باشند که صرف معشیت خود نموده به عازر و یاد عمر و دولت ابد مدت مویست مینمونه باشند
 در نیابت تا کید فرید دانند شتو رفت تا فلانی محفوظ باشند کومیه از ان بر گنده با لور التماس نمودند
 که مبلغ شتو روپیه ده اگویان بقبر مختلف بموجب تراجات دفعه خالصه لفظ از قدم
 بنیافته اند امیدوار فصل و کرم که روانه حضور از سر کار محبت شود لهذا قلمی میگردد که وجه
 مسطورا بقبر مختلف من ابدی فصل خریف فصلی مطابق شده ۱۹۱۹ معلی لغرض بومیه در ان
 مبلغ ابدی نالی بر گنده فرود میده باشند اصا اعمال حال استقبال گنجه جهاد ل حال کار
 بدانند محقق تقوی محمد مراد و بوضوح پوست که بیج وجه معشیت ندارد و بنمونه که بقصد عمر
 در عبادت الهی صرف نماید لهذا نظر استحقاق مشار البیدر نموده از بومیه فر و از ده ناسه
 آمدنی بر گنده مذکور مقصود نموده شد لازم که وجه مقصود هر روز بر ملا ناغده عمومی البیدر شده
 با سواری میگرفته باشند تا انی الحال بموجب دانند و نقص الوصول مجرا و محسوس خواهد شد
 شتو اگر امقدر را می بیند محفوظ باشد مبلغ طهاره روپیه که نصف ان بست پیر و
 میشود روپیه ششم زهی حسن کمی غور مندر ان موضع فلانی رست خا ان از ان

بعل آرزو نشود در این مرتبه عده اگر امقدر کنت بعل خطه ازین قبل شتو سرکار
 در معتمد مد عدم تعرض از ارضی ملک محسن که در موضع فلانی و محبت طریق معمول احد
 یافته بود چون صبح پوست که در فصل خریف نکه از مشار البیدر به ظهور یعنی جلوه تصور نمود
 نباران نگر تا لیل مبلغ نگارش میرود که در حتمت ل غده فصلین عمومی البیدر باشد در زمان
 تا کید دانند نشود که با تر ناسخ حضور بر زاده چه علمی و در شتو در این مرتبه مقید
 جهات حال و استقبال گنه مضاف صورت الحلافت شاه جهان بنده چون مولوی حیدر علی
 بعبادت و طاعت و تقوی موصوفست و بیج وجه معشیت ندارد لهذا نظر استحقاق مشار
 مبلغ شتو روپیه صدق فرق نیکان حضرت قدر قدرت بر آمدنی نال بر گنده کور مقصر
 نموده شد باید که وجه تو مقصود را سرروزه بلا ناغده مشار البیدر سائیده نقص الوصول ماه
 میگرفته باشند که صرف معشیت خود نموده به عازر و یاد عمر و دولت ابد مدت مویست مینمونه باشند
 در نیابت تا کید فرید دانند شتو رفت تا فلانی محفوظ باشند کومیه از ان بر گنده با لور التماس نمودند
 که مبلغ شتو روپیه ده اگویان بقبر مختلف بموجب تراجات دفعه خالصه لفظ از قدم
 بنیافته اند امیدوار فصل و کرم که روانه حضور از سر کار محبت شود لهذا قلمی میگردد که وجه
 مسطورا بقبر مختلف من ابدی فصل خریف فصلی مطابق شده ۱۹۱۹ معلی لغرض بومیه در ان
 مبلغ ابدی نالی بر گنده فرود میده باشند اصا اعمال حال استقبال گنجه جهاد ل حال کار
 بدانند محقق تقوی محمد مراد و بوضوح پوست که بیج وجه معشیت ندارد و بنمونه که بقصد عمر
 در عبادت الهی صرف نماید لهذا نظر استحقاق مشار البیدر نموده از بومیه فر و از ده ناسه
 آمدنی بر گنده مذکور مقصود نموده شد لازم که وجه مقصود هر روز بر ملا ناغده عمومی البیدر شده
 با سواری میگرفته باشند تا انی الحال بموجب دانند و نقص الوصول مجرا و محسوس خواهد شد
 شتو اگر امقدر را می بیند محفوظ باشد مبلغ طهاره روپیه که نصف ان بست پیر و
 میشود روپیه ششم زهی حسن کمی غور مندر ان موضع فلانی رست خا ان از ان

گرمی قدر دمانده شد لازم که مبلغ مذکور بشمار السانیه فیصل الوصول گیرند و در حساب مجزا و محسوب خواهد شد در بنیاد تا که در انداختن در فی التایخ نسبت و پنجم شعبان ۱۲۵۰ و فیصل طریق تحریر شده قول قرار آنکه بی تعدد برگنه در سنده باسم گرامی مقدر مکارم علیخان بهادر چون خدمت امانت فوجداری برگنه مذکور مصداق صورتی از الحظایف قلمانی بچون مبلغ مقدره نیز روپیه که نصف آن مشتت نیز با الصدور پیره میشود با فصل سیم ۱۲۵۰ فصلی از مال الوان به جهت وضع خرج ششماه و انعام فنانکاران حاله و مقدمی بموجب ولایت خان مذکور عقد کرده و او را باید که مبلغ مذکور بموجب اذین داخل خزانه سرکار موده داخله حصول نماید اگر چه خود استر آفت ارضی سماوی یا مالی فواج یا تصرف کسی بر دست رود بموجب کاندن دستخطی بود در اوقا ملون گویان برگنه و تحقیقات امین سرکار و نسبت برگنه حوا می باید اگر بقدر نامن فصل پای غزل میان آید کاغذ نامه بعد مجرا و اول خراجات برگنه و سندی فمیده خواهد شد کم کاسته کم تر و در از مده خود ۵۰ اربع الاول لغایت ستم سیم اتالی به جادوی الاول لغایت آخر جادوی اتالی فخر فی التایخ پنجم سیم الاول آنکه افضل الیضا از آنکه بی باسم حقیقت و ارم ترن منبذال موهبت سرور و نور عملی برگنه در سینه باید که زمینداران مذکور بخاطر جمع در تردد و ذراعت ساتام بر دارند انشا الله تعالی بروقت در ذراعت بموجب تفصیل ذیل عمل خواهد شد

مبلغ مذکور در حساب مجزا و محسوب خواهد شد در بنیاد تا که در انداختن در فی التایخ نسبت و پنجم شعبان ۱۲۵۰ و فیصل طریق تحریر شده قول قرار آنکه بی تعدد برگنه در سنده باسم گرامی مقدر مکارم علیخان بهادر چون خدمت امانت فوجداری برگنه مذکور مصداق صورتی از الحظایف قلمانی بچون مبلغ مقدره نیز روپیه که نصف آن مشتت نیز با الصدور پیره میشود با فصل سیم ۱۲۵۰ فصلی از مال الوان به جهت وضع خرج ششماه و انعام فنانکاران حاله و مقدمی بموجب ولایت خان مذکور عقد کرده و او را باید که مبلغ مذکور بموجب اذین داخل خزانه سرکار موده داخله حصول نماید اگر چه خود استر آفت ارضی سماوی یا مالی فواج یا تصرف کسی بر دست رود بموجب کاندن دستخطی بود در اوقا ملون گویان برگنه و تحقیقات امین سرکار و نسبت برگنه حوا می باید اگر بقدر نامن فصل پای غزل میان آید کاغذ نامه بعد مجرا و اول خراجات برگنه و سندی فمیده خواهد شد کم کاسته کم تر و در از مده خود ۵۰ اربع الاول لغایت ستم سیم اتالی به جادوی الاول لغایت آخر جادوی اتالی فخر فی التایخ پنجم سیم الاول آنکه افضل الیضا از آنکه بی باسم حقیقت و ارم ترن منبذال موهبت سرور و نور عملی برگنه در سینه باید که زمینداران مذکور بخاطر جمع در تردد و ذراعت ساتام بر دارند انشا الله تعالی بروقت در ذراعت بموجب تفصیل ذیل عمل خواهد شد

| | | |
|----------------------------------|------------------------------------|---|
| فقدی عصر | فی کلوبه | علا از روی کنگوت |
| فصاحه لطف | فصل سیم | فصلی حصینج آثار خرد سیری من بحر |
| فی التایخ نسبت و پنجم شعبان ۱۲۵۰ | افضل طریق تحریر شده قول قرار آنکه | بی تعدد برگنه در سنده باسم حقیقت و ارم ترن منبذال |
| موضع بهلا فوه عملی برگنه | در سینه ارم مبلغ چهارده هزار روپیه | حالی از مال الوان به جهت |
| باب فصل خریف ششماه | فصلی برضا و رعیت ذمه خود با قبول | کردیم قرار آنکه مبلغ مذکور بموجب اذین |
| داخل خزانه سرکار | موجب اقساط نسبت برگنه | داخل خزانه سرکار |

سرکار نامم گرفت ارضی و سمائی رو و هر بقدر نقصان مجرایا بجهت نازل آن چند کلمه بطریق
 بیولت نوشته و اوده شده که ثانی الحال شده باشد و عند حاجت کار از تحریر تاریخ و شرح شعبان
 هشتاد و پنج طریق **تحریر محلی** کما منکستنا و نهال بنیدان موضع چو عمل برکنه سرزمین
 و هم آن بخنور و محنت و عوالت نسبت نوان ظفر الدوله مظفر خلیق نوشته میم و اقرار میام سرزمینی
 موازی مقصد بکجهت اراضی دو کاشت فصل خریف و به صید بکجهت اراضی کاشت فصل
 به سینه اندر و خود با نامم اگر از بعد و محلی کما منکستنا و نهال بنیدان موضع چو عمل برکنه سرزمین
 نامم نازل آن چند کلمه بطریق محلی کما نوشته شده که ثانی الحال محسب و دست او بر عمل
معانی زمین و محلی اراضی با عجمه باسم شجاعت نشان خمر عیجان موازی کرده
 بیابان اراضی بکجهت بکرا ارضی جغرافیه خارج مجمع لایق زراعت از سو و مقصد سرکار شهر
 مضایق صورت اختلاف شاه جهان در بر مندی مقدمان مقصد با اتفاق چو درین
 قانون بیان جریانشان محدود و در بعضی بجهت حواله مشارالیه نموده باید که حاصل
 از فصل فصل سال سال ضرورتی حاج خود نموده عاری از تاب بدیندگان حضرت قدرت
 نمود و استتغال نموده باشد عرض

حدود و ربعه شرقی و غربی در میان دو کوه غریبی زمین خاصه کاشت زمینین بطریق بقایای علم شاه
 تحریر فی تاریخ بنفتم شعبان نژده هجری مطابق شده فلان **طریق تحریر محلی**
 فصلی آن در قاور و او خان ساکن موضع فلان برکنه فلا هم چون مسلخ چهارده روزه
 مضایق آن مفت رویه بیو و از دکان با دوسون ساد و موسنی رو پیچیم آن سو و با لوری مقبر
 از طریق قرص گرفته ام اقرار از مسلخ مذکور سود سلسل قسط بند و رو پیچیده اوده با هم
 هیچ غد بماند نامم نازل آن چند کلمه بطریق محلی کما نوشته و اوده که ثانی الحال شده باشد
 و درم صفر نژده **طریق تحریر حاضر ضامنی** منکر حجت علیک لازم سرکارم اقرار میام
 نوشته میم سرزمینی که شرح قاور علی رضامنی خود در سرکار فلانی نوکر کنانید امم اگر مشارالیه

این کلمات در حاشیه چپ نوشته شده است و به نظر می آید که تفسیر یا توضیحی بر متن اصلی باشد. عبارات در این حاشیه به خط نستعلیق و با کلماتی مانند "در این کلمات" و "در این کلمات" شروع می شود. این حاشیه به صورت عمودی در طول متن قرار دارد.

در آرزو و خود از سر انجام حصول آن خبر بیاپاشند که از غفلت و مسامحه اعمال رفیق بنفید این
 ششم آنکه سرگانه که خود بر او در باقی کیفیت پرگنات بر آید در رویی که دارد شود خود فرزند
 در مع آن سبب طاعت و قدر جمع نظر در او و اگر در تفریق جمع بر سر واحد حساب عمل آید باشد
 را متعال ساخته حق رساند و ثنجا این شایسته مبلغان بر او در سال حال تفریق موجودات از رو
 جزوی بر او مفصل نویسد تا حقیقت کار دانی امثال حسن پرداخت آن وزارت پناه
 ظاهر شود این مقصود آنکه با سخا و انعام موافق معمول عمل سرکارها و اصدقه شریفه بجان آن عیال
 سرکار عالی متعالی افزوده باشد و آرسیده که اینجا عذر استدی خواه جائز تا حال چه قدر با
 نگاشته و چه مقدار بصدقه کمی و امانت مجرا گرفته نظر برین مرتبه گذشته باز یافت نماید و آرسیده
 معروف که سرگانه آنها پرگنات را بحالت صلی ظهور خوانند و او حقیقت بعرض الاخوانند
 در خود و ثنجا می بخواهد رعایت خواهد شد این آنکه در فوطه خانه مقرر نماید که فوطه در آن
 رویه سکه مبارک عالمگیره بگیرند و بر فوطه بر عدم وجود این حسن رویه شایسته
 و جلین و خوانه رایج بارز باشد هرگز داخل فوطه خانه نکند و اگر بداند که از بارز خوانند
 با بعضی تحسین رفیق می افتد و به بالا و موافق حق و حساب از رعیت گرفته تندر
 آن راز و عمل از دانی این بچشم آنکه خد انخواست اگر آفت سماوی و یا ارضی در محلی رود
 با مناد اعمال تا گوید بلیغ کند که موجودات مزروعات را فرود آفتی بمکالی حقیقت و نگاه
 نماید و فرار و در آرسیده جمع از روی جزوی موافق مست بود شخص سازند آفت
 ششم که تفریق آن با اختیار چو در سری و قانونگوی و چواری باشد هرگز در عمل نرند تا ریزه
 حق برسد و از اسب و نقصان آن ماند و متعلبان تغلب تواند کرد این مهم در باب عدم
 علیه در مع حاجات زانند اما ان الوان منوعه که باعث فقره حال عیال است با مناد اعمال چو در سری
 قانونگویان تا گوید بلیغ نمود و چلکات بگیرد که زیادتی علیه و اخذ الوان منوعه مخفوره رگانه این
 بر عمل نیاید خود همیشه خراب باشد اگر احدی بر این اقدام نماید از منافع و فوطه بداند

اینکه سرگانه که خود بر او در باقی کیفیت پرگنات بر آید در رویی که دارد شود خود فرزند
 در مع آن سبب طاعت و قدر جمع نظر در او و اگر در تفریق جمع بر سر واحد حساب عمل آید باشد
 را متعال ساخته حق رساند و ثنجا این شایسته مبلغان بر او در سال حال تفریق موجودات از رو
 جزوی بر او مفصل نویسد تا حقیقت کار دانی امثال حسن پرداخت آن وزارت پناه
 ظاهر شود این مقصود آنکه با سخا و انعام موافق معمول عمل سرکارها و اصدقه شریفه بجان آن عیال
 سرکار عالی متعالی افزوده باشد و آرسیده که اینجا عذر استدی خواه جائز تا حال چه قدر با
 نگاشته و چه مقدار بصدقه کمی و امانت مجرا گرفته نظر برین مرتبه گذشته باز یافت نماید و آرسیده
 معروف که سرگانه آنها پرگنات را بحالت صلی ظهور خوانند و او حقیقت بعرض الاخوانند
 در خود و ثنجا می بخواهد رعایت خواهد شد این آنکه در فوطه خانه مقرر نماید که فوطه در آن
 رویه سکه مبارک عالمگیره بگیرند و بر فوطه بر عدم وجود این حسن رویه شایسته
 و جلین و خوانه رایج بارز باشد هرگز داخل فوطه خانه نکند و اگر بداند که از بارز خوانند
 با بعضی تحسین رفیق می افتد و به بالا و موافق حق و حساب از رعیت گرفته تندر
 آن راز و عمل از دانی این بچشم آنکه خد انخواست اگر آفت سماوی و یا ارضی در محلی رود
 با مناد اعمال تا گوید بلیغ کند که موجودات مزروعات را فرود آفتی بمکالی حقیقت و نگاه
 نماید و فرار و در آرسیده جمع از روی جزوی موافق مست بود شخص سازند آفت
 ششم که تفریق آن با اختیار چو در سری و قانونگوی و چواری باشد هرگز در عمل نرند تا ریزه
 حق برسد و از اسب و نقصان آن ماند و متعلبان تغلب تواند کرد این مهم در باب عدم
 علیه در مع حاجات زانند اما ان الوان منوعه که باعث فقره حال عیال است با مناد اعمال چو در سری
 قانونگویان تا گوید بلیغ نمود و چلکات بگیرد که زیادتی علیه و اخذ الوان منوعه مخفوره رگانه این
 بر عمل نیاید خود همیشه خراب باشد اگر احدی بر این اقدام نماید از منافع و فوطه بداند

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب ، استعار
لھا گئی تھی ، مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ بومیہ دیرا نہ لیا جائے گا۔

سہیلی پیمانہ
 موعظہ کا سہیل
 جامعہ اسلامیہ
 مجلس اعلیٰ تعلیم
 ۱۔ اراکین
 ۲۔ اراکین
 ۳۔ اراکین
 ۴۔ اراکین
 ۵۔ اراکین
 ۶۔ اراکین
 ۷۔ اراکین
 ۸۔ اراکین
 ۹۔ اراکین
 ۱۰۔ اراکین
 ۱۱۔ اراکین
 ۱۲۔ اراکین
 ۱۳۔ اراکین
 ۱۴۔ اراکین
 ۱۵۔ اراکین
 ۱۶۔ اراکین
 ۱۷۔ اراکین
 ۱۸۔ اراکین
 ۱۹۔ اراکین
 ۲۰۔ اراکین
 ۲۱۔ اراکین
 ۲۲۔ اراکین
 ۲۳۔ اراکین
 ۲۴۔ اراکین
 ۲۵۔ اراکین
 ۲۶۔ اراکین
 ۲۷۔ اراکین
 ۲۸۔ اراکین
 ۲۹۔ اراکین
 ۳۰۔ اراکین
 ۳۱۔ اراکین
 ۳۲۔ اراکین
 ۳۳۔ اراکین
 ۳۴۔ اراکین
 ۳۵۔ اراکین
 ۳۶۔ اراکین
 ۳۷۔ اراکین
 ۳۸۔ اراکین
 ۳۹۔ اراکین
 ۴۰۔ اراکین
 ۴۱۔ اراکین
 ۴۲۔ اراکین
 ۴۳۔ اراکین
 ۴۴۔ اراکین
 ۴۵۔ اراکین
 ۴۶۔ اراکین
 ۴۷۔ اراکین
 ۴۸۔ اراکین
 ۴۹۔ اراکین
 ۵۰۔ اراکین
 ۵۱۔ اراکین
 ۵۲۔ اراکین
 ۵۳۔ اراکین
 ۵۴۔ اراکین
 ۵۵۔ اراکین
 ۵۶۔ اراکین
 ۵۷۔ اراکین
 ۵۸۔ اراکین
 ۵۹۔ اراکین
 ۶۰۔ اراکین
 ۶۱۔ اراکین
 ۶۲۔ اراکین
 ۶۳۔ اراکین
 ۶۴۔ اراکین
 ۶۵۔ اراکین
 ۶۶۔ اراکین
 ۶۷۔ اراکین
 ۶۸۔ اراکین
 ۶۹۔ اراکین
 ۷۰۔ اراکین
 ۷۱۔ اراکین
 ۷۲۔ اراکین
 ۷۳۔ اراکین
 ۷۴۔ اراکین
 ۷۵۔ اراکین
 ۷۶۔ اراکین
 ۷۷۔ اراکین
 ۷۸۔ اراکین
 ۷۹۔ اراکین
 ۸۰۔ اراکین
 ۸۱۔ اراکین
 ۸۲۔ اراکین
 ۸۳۔ اراکین
 ۸۴۔ اراکین
 ۸۵۔ اراکین
 ۸۶۔ اراکین
 ۸۷۔ اراکین
 ۸۸۔ اراکین
 ۸۹۔ اراکین
 ۹۰۔ اراکین
 ۹۱۔ اراکین
 ۹۲۔ اراکین
 ۹۳۔ اراکین
 ۹۴۔ اراکین
 ۹۵۔ اراکین
 ۹۶۔ اراکین
 ۹۷۔ اراکین
 ۹۸۔ اراکین
 ۹۹۔ اراکین
 ۱۰۰۔ اراکین